

# جنگهای خونین الله و رسول الله برای نابودی آزادی

۱۳ تیرماه ۲۷۱۱ برابر با چهارم ژوئیه ۲۰۰۳

با درودی گرم و پاکدلانه به انجمن شما و اندیشه آزاد و همچنین هم میهنان گرامی شنونده که دلبسته آگاهی از درون مایه قرآن هستند تا دریابند در این کتاب بگفته ای آسمانی که پایه و اساس اسلام است کوچکترین نشانه ای از آزادی وجود دارد یا نه. و آیا کسی با پذیرفتن اسلام و یا بگردن نهادنش میتواند کوچکترین اراده و اختیاری از خود داشته باشد یا نه. مهرورزیده کاغذ و قلمی آماده کنید دستکم دو آیه از آیه های کلام الله را که در پی خواهد آمد یادداشت کنید و هر چند بار هم که دلتان خواست آنرا در قرآن بخوانید تا بهتر و بیشتر دریابید برابر دستور الله که گفته میشود وحی منزل آسمانی است هیچ مرد و زن مومنی را در برابر اراده الله و رسول او کوچکترین اراده و اختیاری نیست تا رای مخالفی ابراز کند. اراده و رای رسول مقدم بر اراده و رای همه مسلمانان است درباره خود آنها و همچنین در اختلافات خود تنها باید رسول را حاکم کنند و او هر حکمی که داد از دل و جان بپذیرند و در درون دل خود هم ناراضی نباشند.

میدانیم که پس از رسول این حق به جانشینان او تعلق میگیرد که پایه و اساس ولایت فقیه مطلقه است. همان چیزی که امروز در ایران اشغال شده بدست تازی زادگان بکار بسته میشود.

یادآوری دیگر اینکه بر پایه آرمان پاسداران فرهنگ ایران روش کار ما فارسی نویسی است. ولی در این سخنرانیهای درباره قرآن چون سر و کار من با ترجمه قرآن است که آمیخته با واژه های عربی است ناگزیر همه سخنان من در این زمینه آمیخته به تاز و پارسی گردیده تا نگویند که در ترجمه قرآن دست برده شده است. باپوزش و سپاس:

## حال آغاز سخن

### جنگهای خونین الله و رسول الله برای نابودی آزادی

و به بندکشیدن اندیشه

بن مایه استوار کلام الله

پیش از آنکه در میدانهای جنگ و یا گردنه های بدر واحد در سرزمین عربستان دیداری با الله خدای تیره قریش داشته باشیم، بهتر آنست که نگاهی گذرا به خواسته های الله از مردم داشته باشیم تا ببینیم او چه خواسته پذیرفتنی داشته است که چون مردم نا آگاه بودند و نمی پذیرفتند خشمش برانگیخته میشد تا چنان واکنش سختی نشان دهد که با نیروی هوایی نادیدنی (فرشتگان) و رسول الله و ولی الله با تیر و کمان و شمشیر در دشت و کوه و کمر کمین کند دارائی کاروانیان را تاراج و جانشان را نیز به تیغه شمشیر یا نوک نیزه و کمان بسپارد. آنهم کاروانیان بی سلاحی که ربایندگان دارائی آنان به فرنود مسلح نبودن آنها میخواستند مال شان را برابند و خودشان را نکشند ولی الله راضی نشده و گفته است بکشید تا فساد از روی زمین برداشته شود. الله از این واژه بسیار بهره گرفته ولی هرگز نگفته است که فساد مورد نظر او چیست.

آیا فساد مورد نظر او در میان بارشترها بود که الله دانا و توانا آگاه شده و تازش برده بود تا به مقصد نرسد؟ برای روشن شدن هر چه بیشتر اندیشه الله و رسول الله و ولی الله در این گونه گردنه بندی ها و کشت و کشتارها نخست نمونه های چندی از فرمانهای الله را به آگاهی میرسانم تا دریابید که

آیا الله آزادی داده بود که مردم در نمی یافتند و نمی پسندیدند؟

آیا غلامی و بردگی و بندگی و کنیزی را برداشته و برابری داده بود که مردم ناخوشنود شده بودند؟

آیا شادی و شادمانی و تندرستی پیشیاره کرده بود که مردم رد کرده بودند؟

آیا دستور ساختن درمانگاه و بیمارستان و دانشگاه داده بود که مردم روی برگردانده بودند؟

آیا دستورهای الله بدرستی حق و حقیقت و راستی بود که مردم زیر بار آنها نمیرفتند؟

آیا الله گفته بود بنوشید آنچه که شما را شاد میکند؟ بخورید هر آنچه را که میل دارید؟ بپوشید آنچه را که دوست دارید؟ بکار ببرید

آنچه را که خرد شما پروانه میدهد مردم ناراضی شده بودند؟

سپس بدنیاال جنگهایش میرویم.

آیه های کلام الله را که هم اکنون میشنوید پاسخ روشنی به این پرسشها خواهند داد که امیدوارم داوری دادگرانه کنید.

۱- سوره دوم «بقره» آیه ۱۷ درباره قصاص کشتگان چنین میگوید: مرد آزاد در برابر مرد آزاد، بنده را بجای بنده و زن را بجای زن قصاص کنید.

آیا سخنی روشن تر از این درباره نا آزادی و بردگی و کنیزی وجود دارد؟

۲- سوره دوازدهم «رعد» آیه ۱۴ هر که در آسمانها و زمین است با همه آثار و جودش به رغبت و اشتیاق و به جبر و الزام شب و روز به اطاعت الله مشغول است.

۳- سوره شانزدهم «النحل» آیه های ۴۸ تا ۵۱ هر چه در آسمانها و زمین است از جنبنندگان و فرشتگان همه بی هیچ تکبر و با کمال تذلل (یعنی ذلت) به عبادت الله مشغولند و تمام موجودات از الله که فوق همه آنهاست میترسند الله فرموده براه شریک و دوتائی نروید که الله یکی است از من بترسید. هر چه در آسمانها و زمین است همه ملک من است. در آیه های ۷۴ و ۷۵ همین سوره نیز میگوید بنده با مرد آزاد برابر نیست.

۴- سوره بیست و چهارم «نور» آیه ۴۰ ای رسول آیا ندیدی که هر کس در آسمانها و زمین است تا مرغ که در هوا پرگشاید همه به تسبیح و ثنای الله مشغولند.

درست به این فرمانها توجه کنید جز بندگی و فرمانبرداری بی چون چرای با ترس و لرز و ذلت چه چیز دیگری می بینید. چرا باید از الله ترسید مگر اولولو خورخوره است؟

۵- سوره هفدهم «اسری» آیه ۲۰ در دنیا بعضی مردم را بر بعضی فضیلت بخشیدیم. مراتب آخرت نیز بسیار بیش از درجات دنیاست و برتری خلاق از یکدیگر بمراتب افزون از حد تصور است.  
سوره سی ام «روم» آیه ۲۷ هیچیک از کنیزان و غلامان ملکی شما در هیچ چیزی با شما شریک و مساوی نیستند.

پرسش اینست چرا الله در دنیا بعضی را بر بعضی برتری بخشیده است و چرا در آخرتی هم که اگر وجود داشته باشد میخواید دست به چنین کار نادرستی بزنند؟ چرا کنیز و غلام آفریده و چنین بدبخت کرده است چرا دو نفر نباید با هم برابر باشند مگر از راه دانش؟

آیا پایه و اساس زندگی آزادی و برابری است یا آنچنانکه الله در کلام الله خود گفته اند نابرابری بردگی غلامی و کنیزی؟

۶- سوره بیست و دوم «حج» آیه های ۱ تا ۳ - ای مردم الله ترس و پرهیز کار باشید که زلزله روز قیامت بسیار حادثه بزرگ و واقعه سختی خواهد بود. چون هنگامه آن روز بزرگ را مشاهده کنید هر زن شیرده طفل خود را از هول فراموش کند و هر آبتن بار رحم را بیفکند و مردم را از وحشت آن روز بیخود و مست بنگری در صورتیکه مست نیستند و لیک عذاب الله سخت است. (این آیات در جنگ بنی المصطلق نازل شد رسول بر اصحاب بخواند آنها سخت گریان و هراسان شدند. رسول فرمود آن روز از هر هزار نفر فرزند آدم یکی بهشتی و نهصد و نود و نه دوزخی شوند. مردم بیشتر پریشان شدند. خیمه نزدند طبخ نکردند که وای بر ما همه دوزخی باشیم.

دیگر بار رسول بشارت داد که با هم جمع باشید و دل نزدیک و درستکار و خوش باشید که از صد و بیست صف بهشتیان، دو ثلث آن هشتاد صف امت من باشند. اصحاب خوشحال شدند. عکاشه بر رسول عرض کرد دعا کن بر من که بهشتی شوم و رسول خدا دعا کرد. دیگری برخاست حضرت فرمود عکاشه بر تو سبقت گرفت. برخی مردم از جهل و نادانی در کار الله جدال کنند و از پی هر شیطان گمراه کننده ای روند.

اگر اندکی مهر ورزیده بیشتر به درون مایه این آیه ها توجه کنید بی هیچگونه دودلی درمی یابید که گمراه کننده اصلی محمد است. نه شیطان. این محمد است که میگوید چنین وحی آبرورنده ای از سوی الله او آمده است. این گفته گفته شیطان نیست؟  
اللهی که در پسوند نامش رحمان و رحیم را یدک میکند و در بسیاری از آیه ها سخن از مهر و دادگری میکند، چه چیزی او را بر آن داشته است در روزی که همه مردم را گرد آورده تا دادرسی دادگرانه کند و مهر و داد خود را به نمایش بگذارد، گناهکاران و بی گناهان را بشناسد بر یکی پاداش و بر دیگری کیفر دهد.

پیش از آغاز به کار آنچنان زلزله بیجا و نا لازم و وحشتزانی بر پا کند که هر زن شیرده از بیم جان کودک شیرخواره بهتر از جان خود را رها و فرار کند. هر زن آبتن از شدت ترس بار رحم خود را بر زمین افکند. مردم با گناه و بیگناه با یک چوب رانده شوند و از عذاب سخت الله بیهوش گردند تا دگر باره به هوش آیند. چرا؟ منطق این کار نابخردانه وحشتزای الله چیست؟

اگر پس از دادرسی زنان پریشان بچه از دست داده و زنان سقط جنین کرده بیگناه شناخته شوند، پاسخگوی این جنایت بزرگ نادرست بیدادگرانه بر آنها کیست؟

چه کسی و چگونه بدادشان خواهند رسید در حالیکه بیدادگر و مرتکب این گناه نابخشودنی خود الله است؟

بدور از دروغ بودن پایه ای این گونه یاوه های بافته شده که ۱۴۰۰ سال است گروه بیشماری را دربند گمراهی نگاه داشته اند. چنین آیه هائی در زمانی نازل گردیده است که محمد در حال جنگ و کشتار خونین و ددمنشانه با تیره بنی المصطلق بوده و هزاران زن و مرد و دختر و پسر و خرد و کلان را از دم شمشیر گذارانیده و خانه های بسیاری را ویران و تاراج کرده و زنان و دختران و مردان بیشماری را به اسارت و بردگی گرفته است که هنوز خون از شمشیرش میچکیده است.  
اگر چنان بهشتی درست باشد چنین تاراج گران و کشتارگران چگونه دو برابر کسانی که یکپهزارم تیهکاری اینان را مرتکب نگردیده اند بهشتی هستند؟

از فراز زنان اسیر در این جنگ زن بسیار زیبایی بنام بره دختر حارث بن ابی ضرار همسر یکی از سرداران کشته شده در جنگ و دختر رئیس تیره بنی المصطلق بود که بدست سربازان محمد دست بدست میگشت. با روی آوردن بر محمد برای رهائی خود، رسول الله شیفته زیبایی او گردید و ویرا از سربازانش خریداری کرد و نام جویرییه بر او نهاد بوارون عده زنان همسر مرده که برابر آیه ۲۳۳ سوره دوم باید چهار ماه و ده روز کسی با او همبستر نشود همان شب رسول الله او را بدرون رختخواب همیشه گسترده اش کشانید. درست همان کاری را که با صفیه دختر حنی بن اخطب همسر زیبای کتانه بن ربیع گنجدار معروف یهودی کرد.

کتانه را برای دسترسی به گنجهایش زیر شکنجه بدست علی کشت و همسر او را با زور تصاحب نمود. در حالی که هنوز کتانه را به خاک نسپرده بودند با همسر او نیز همخوابه گردید.  
اگرچنین جنایتکاری با هشتاد صف از پیروان جنایتکارتر از خودش به عشرتکده الله نرود الله چه کس دیگری تبهکارتر از او و همراهانش را دارد که به آن عشرتکده بفرستد؟  
محمد چنان سرگرم عشق‌بازی بابره آن زن جوان داغدار همسر و خانواده از دست داده گردید که از یادش رفت در این سفر جنگی زیباترین همسرش عایشه اورا همراهی میکند.  
عایشه زیبا با آگاهی از کار همسر پیرش در پی انتقام جوئی برآمد در نیمه راه بازگشت به مدینه، باصفوان جوان ۲۲ ساله عقبدار قوای محمد در پشت تپه ها پنهان گردید و شبی را تا بامداد با صفوان سپری نمود.  
محمد آن چنان شیفته زیبائی و عشق‌بازی با جویره شده بود که تارسیدن به مدینه در نیافت عایشه همسر زیبایش در کجاوه نیست. پس از آنکه کجاوه ها را بر زمین نهادند تازه دریافتند که عایشه نیست. غوغائی برپا شد خبر بگوش محمد رسید و وی را پریشان حال ساخت.

علی را احضار کرد و بدنبال پیدا کردن عایشه به بیابان فرستاد. علی در میان راه دید که عایشه بر ترک شتر صفوان سوار است و شنگول و خندان می آیند. برگشت آنچه را که دیده بود به محمد گفت و گفت رها کن این خبیثه را که زن برای توماند بند کفش است. این سخن پایه دشمنی عایشه با علی و مایه جنگ جمل گردید.  
شگفتا الهی که به محمد خبر نداده بود که عایشه با صفوان در بیابان سرگرم عشق بازی است دگر باره بیاری ارباب خود محمد شتافت و آن آیه کذائی را فرستاد که اگر بدنام کنندگان عایشه راست میگویند باید چهار شاهد عادل آنهم در آن بیابان منطقه جنگی بیاورند که شب در آنجا بوده اند و با چشمان خود همخوابگی عایشه و صفوان را دیده اند که چگونگی آن در سوره بیست و چهارم «نور» آمده است.

وقتی در چنین زمانی محمد سخن از چنان وحی به میان می آورد این پرسش پیش می آید که چرا الله در گوشه و کنار وحی خود با ایما و اشاره به محمد نگفت ای رسول عزیز من همسرت عایشه پشت تپه ها دارد با صفوان عشق‌بازی میکند برو و با دو چشم خود ببین که نیاز به گواه دیگری نباشد؟  
این داستان محمد شبیه داستانی آمده در باب چهارم گلستان سعدی است که میگوید منجمی به خانه درآمد یک مرد بیگانه را دید با زن او بهم نشسته دشنام داد و سقط گفت. فتنه و آشوب بر خاست. صاحب‌دلی که بر این واقف بود گفت تو بر اوج فلک چه دانی چیست که ندانی در سرایت کیست؟ شاید این همان داستان محمد است که سعدی چنین در آورده است.  
محمد هم با اینکه از اوضاع و احوال همسرش آگاه نبود که در بیابان سرگرم عیش است چنان آیه هائی دلگرم کننده بخورد جنگجویانش میداد تا بیشتر ابزار بی اراده در دستش باشند.

۸- سوره بیستم «طه» آیه ۹۲ هیچ موجودی در آسمانها و زمین و بین آنها یا زیر کره خاک نیست مگر الله را بنده و فرمانبردار است.  
**از الله میپرسم چه کار نیمه تمامی داری که نیاز به اینهمه بنده داری؟ آیا این الله از بزرگترین بنده داران جهان هستی نیست؟**

۹- سوره بیست و سوم «المومنون» آیه های ۴ و ۵ و آنانکه فروج و اندام شان را از عمل حرام نگاه میدارند مگر بر جفتهایشان که زنان عقدی آنها باشند یا کنیزان ملکی متصرفی آنها که هیچگونه ملامتی در مباشرت این زنان بر آنها نیست. **کنیزان ملکی متصرفی چگونه زنائی هستند و چرا باید آنها را به ملکیت و تصرف خود در آورد؟**

۱۰- سوره سی و نهم «زمر» آیه های ۶۷ تا ۷۱- صیحه صور اسرافیل بدمند تا جز آنکه الله بقای او خواسته دیگر هر که در آسمانها و زمین است همه یکسر مدهوش مرگ شوند آنگاه صیحه دیگری در آن دمیده شود که ناگاه خلایق همه از خواب مرگ برخیزند و نظاره واقعه محشر کنند و زمین محشر بنور پروردگار روشن گردد و نامه اعمال خلق در پیشگاه عدل نهاده شود و انبیا و شهدا برگزاهای احضار شوند و میان خلق به حق حکم کنند و به هیچکس ابدا ظلمی نخواهد شد و هر کس به پاداش عملش تمام برسد و الله از هر کس به افعال نیک و بد خلق آگاه تر است و آن روز آنانکه به الله کافر شدند فوج فوج به جانب دوزخ رانند و چون آنجا رسند درهای جهنم برویشان بگشایند و خازنان دوزخ به آنها گویند مگر پیغمبران الله برای هدایت شما نیامده و آیات الهی را برایتان تلاوت نکردند و شما را از ملاقات این روز سخت نترسانیدند؟ جواب دهند بلی و لیکن افسوس که ما به کفر و عصیان خود را مستحق عذاب حرمان کردیم و وعده عذاب برای کافران محقق و حتمی گردید.

این اعتراف را از کسانی گرفته اند که زیر بار بندگی و غلامی نرفته عصیان کار شناخته شده اند. درست بگونه اعترافات دروغین بی گناهان در زیر شکنجه بیدادگاههای فرمایشی انقلاب اسلامی ایران امروز. زمانیکه میگوید زمین محشر بنور پروردگار روشن میشود پرسشی پیش میآید مگر دوزخ و بهشت الله در روی زمین است که کسی جایش را پیدا نمیکند؟

تا به حال از همه منبریها ی نیرنگباز شنیده بودیم که در محشر خیالی دادرسی را خدا انجام میدهد ولی حالا می بینیم که شهدا و انبیا آنهم بدستور الله به پرونده ها رسیدگی میکنند تا بیگناه و گناهکار را بشناسند. در حالیکه همین شهدا و انبیا در روی زمین بفرمان الله با اینها جنگیده کشته اند و کشته شده اند. چگونه کشته شده ها میتوانند حکم عادلانه درباره کشندگان خود بدهند؟  
باز در این جا بیاد دآوری محمد با تیره بخت و بیگناه بنی قریظه افتادم که حاضر بودند بگونه تیره های بنی قینقاع و بنی نضیر همه دارائی خود را به محمد واگذارند و با يك بار شتری وسایل اولیه زندگی دست زن و بچه خود را بگیرند و ترك دیار و یار کنند.  
ولی محمدرسول الله نماینده الله دادگر گفت نه برای زنده ماندن و یا کشتن شما باید کار به دآوری مراجعه گردد که چنین حکمی در تاریخ جهان پیشینه نداشت و ندارد.

گزینش داور برای چنین سرنوشت تلخی را هم از دست آنها گرفت و گفت باید به داوری، داوری را که من برمیگزینم گردن بنهید سرانجام سعد معاذ دشمن شماره یک یهودی ها را که در یک نزاع شاید محلی از دست آنها زخمی برداشته بود که خودش بند نمی آمد و در بستر مرگ آرمیده بود به داوری برگزید و علی را هم به سرداوری گماشت.

نتیجه رای از پیش روشن بود بریدن سر همه مردان و به اسارت گرفتن همه زنان و دختران و به تصرف محمد درآمدن همه دارائی و املاک آنها. که سنگدلانه در برابر چشمان محمد سر هفتصد تن مرد پیر و جوان و زنی بنام حسنی القریظی را علی و زبیر عموی محمد همچون مرغ بریدند با جان و نیمه جان در میان گودالهای از پیش کنده شده بروی هم انباشتند زنان و دختران و پسرکان هم برای خوشگذرانی میان قوای محمد تقسیم گردیدند.

پرسش این است فرق میان داوری الله در محشر و رسولش محمد در این جهان چیست؟

برباور من باید روزی بشریت از این خواب سنگین بلاهت پی ورزی دینی بیدار شود اینگونه جنایتکاران علیه بشریت را که زیر نام دین دست به دهشتناکترین جنایتها زده اند و پاداش عشرتکده الله را هم پشتوانه دارند با الله شان غیابا محاکمه کنند و تندیس زشت و اهریمن گونه آنان را در موزه های جنایت سراسر جهان بگذارند. تا جهان و جهانیان دریابند چه شیدانی بنام دین و مذهب دست به چه جنایات هول انگیزی زده و چه خانمانها و تاریخ و فرهنگی را بر باد داده اند.

پرسش دیگری که پیش می آید اینست الهی که برای شناساندن خود در جهان و برای بکار بستن فرمانهایش توانائی نداشت از رسول و سپاهیان او یاری گرفت و حالا هم که در محشرش می نشیند و تماشا میکند تا رسول و یارانش دادنامه صادر کنند، باز هم او خود را خدائی بی شریک و دادگر و توانا میداند؟ آیا او بنده آل محمد نیست؟

پاک یزدان به پیروان چنین اندیشه ای خرد بدهد.

۱۱- سوره بیست و پنجم «فرقان» آیه ۵۱ - ای رسول تو هرگز تابع کافران مباش و با آنها چنانکه مخالفت قرآن و دین کنند سخت جهاد و کارزار کن.

آن فرمانهای الله را که سراپا آزادی کشی و نابرابری و کنیزی و غلامی و بردگی و ترس و هراس بود شنیدید و این فرمان آمده در سوره فرقان را هم شنیدید که میگوید هر کس از قرآن و دین (یعنی آن فرمانها) سرپیچی کند کافر است. ای رسول سخت جهاد و کارزار بکن. آیا این یک کارزار گسترش دهنده اهریمنی در به بند کشیدن آزادی و برابری نیست؟

۱۲- سوره چهل و دوم «شوری» آیه سوم آنچه در آسمانها و زمین است همه ملک الله است در آیه ۲۶ همین سوره هم میگوید اگر الله روزی بندگان را زیاد کند طغیان میکنند؟

اگر بدرستی الله خدای راستین است، آن خدا چه نیازی به اینهمه املاک دارد. میخواهد چه بهره برداری بکند، کشاورزی یا دامداری؟

درباره گرسنه نگاهداشتن مردم آیا این دیدگاه یک دیکتاتور خود سرنیست؟ آیا نمیترسد که مردم از غلامی و بردگی و کنیزی رهاورد او سرباز زنند؟ این دستور درخور خرد و دانش هست؟

پس اینکه میگفتند گرسنه نگاهداشتن دیدگاه انگلیسی هاست دروغ بوده و این دستور ارباب انگلیسی ها الله تازیان است.

۱۳- سوره شصت و چهارم «تغابن» آیه ۱۰ هیچ رنج و مصیبتی به شما نرسد مگر به فرمان الله.

۱۴- سوره نودم «بلد» نوع انسان را با مشقت و رنج آفریدیم که روز و شبی را بی رنج و درد و غم و آلام طبیعت و امراض و خوف و خطر عمر نگذرانند.

چرا باید الله درد و رنج و غم و مصیبت حواله مردم دهد؟ چرا باید مردم در ترس و لرز و خوف و خطر از الله بگذرانند؟ سود الله از این درد و رنج مردم چیست؟ الله از شادی مردم چه زیانی می بیند که آنها را غمگین میخورد؟ آیا چنین دستوری دادگرانه و درخور خدای خرد است؟

۱۵- سوره چهارم «النسا» آیه ۶۴ نه چنین است قسم به الله که اینان به حقیقت اهل ایمان نمیشوند مگر آنکه در خصومت و نزاع شان تنها تو را حاکم کنند و هر حکمی بکنی هیچگونه اعتراضی در دل نداشته باشند و کاملاً از دل و جان تسلیم فرمان تو باشند.

۱۶- سوره چهل و هشتم «فتح» آیه ۹۱ - ای رسول مومنانی که در حدیبیه با تو بیعت کردند به حقیقت با الله بیعت کردند. چون تو خلیفه خدائی و همان دست تو دست خداست بالای دست آنها.

۱۷- سوره سی و سوم «احزاب» آیه ۵ - پیغمبر اولی تر و سزاوارتر به مومنان است از خود آنها یعنی باید حکم و اراده او را مومنان مقدم بر اراده خود بدانند و از جان و مال در اطاعتش مضایقه نکنند.

۱۸- سوره سی و سوم «احزاب» آیه ۳۵- هیچ مرد و زن مومن را در کاری که الله و رسول حکم کند اراده و اختیاری نیست.

هر کس نافرمانی الله و رسول کند دانسته به گمراهی افتاده است:

آیا این دستورهای روشن الله نیاز به توضیح دارد که اومیگوید کر و کور و لال و بیخرد و بی اراده و اختیار باشید آنچه را که من و رسول میگویم باید چشم بسته بپذیرید فرمانبردار و شادمان هم باشید؟

این دوآیه کلام الله پایه و اساس ولایت فقیه است تا آخوندهای شناخته شده ای چون سید روح الله خمینی خون آشام و سیدعلی حسینی خامنه ای شناخته شده بی نیاز از بازگو کردن ولی فقیه یا ولی امر مسلمین خود را جانشین محمد بدانند بکنند با مردم آنچه را که بیست و پنجسال بعد از هزار و چهارصد سال دارند میکنند. همه تاریخ و فرهنگ ما را زیر و رو و دگرگون کرده اند تا بتوانند مردم ایران را بی شناسه کنند و همچنان غرق در نافرنگ تازیان در بیابانهای کربلا نگهدارند.

نابخردی هائی را که ۱۴۰۰ سال پیش از این تازیان بیابانگرد نپذیرفتند امروز مردم بافرهنگ ایران بیابند با جان و دل گردن نهند و در دل هم ناراضی نباشند. این جاست که آن سروده

**ز شیر شتر خوردن و سوسمار  
عرب رابه جانی رسیده است کار  
که دیهیم شاهی کندآرزو  
تفوبرتو ای چرخ گردون تفو**

بیاد می آید و مغز هر ایرانی میهن پرست و آزاده را زیر تازیانه خود قرار میدهد که ما کی بودیم چه شد که چنین سیه روز شدیم تا در برابر چنین فرمانهای نابخردانه و ناپذیرفتنی سر فرودآوریم؟

۱۹- سوره چهل و سوم « زخرف » دنباله آیه ۳۱ در صورتیکه ما خود معاش و روزی آنها را در حیات دنیا تقسیم کرده ایم و بعضی را بر بعضی به مال و جاه دنیوی برتری داده ایم تا بعضی از مردم به ثروت بعضی دیگر را مسخر خدمت کنند.

چرا چنین دوگانگی؟ که به یکی آنهمه بدهی و به دیگری چیزی ندهی تا ناگزیر گردد برای سیرکردن شکم خود و خانواده اش برود خدمتگذار دیگری باشد؟ آیا براستی تو هم خدائی و هم دادگر که همه هستی جهانرا در چنگ خود گرفته ای و مردم را هم چنین در جبه بندی و بدبخت کرده ای؟ آیا تو خرد داری؟ دیوانه نیستی؟ آزادی سرت میشود معنی برابری را دریافته ای؟

۲۰- سوره چهل و ششم « احقاق » آیه های ۲۰ تا ۲۴ و ای رسول باز بر منکران قرآن بگو چه تصور میکنید اگر از جانب الله باشد شما به آن کافر شوید. در صورتیکه از بنی اسرائیل شاهدهی چون عبدالله سلامی بر قرآن گواهی میدهد.

تاسف آور نیست که الله چنان بیچاره و بی پشتوانه و بدبخت شده که با گواهی یک نفر بنام عبدالله سلامی بر درستی گفتار خود دلبسته است درحالیکه برابر با ۲۴ سوره و ۵۹ آیه های آمده در کلام الله تازیان آنرا افسانه پیشینیان و محمد را دیوانه خوانده اند که در پایان سخن همه آن آیه ها فهرست وار به آگاهی شما خواهد رسید.

۲۱- سوره پنجاه و نهم « حشر » آیه های ۲۰ تا ۲۴ و ای رسول اگر ما این قرآن عظیم الشان را بجای دلهای خلق برکوه نازل میکردیم مشاهده میکردی که کوه از ترس الله خاشع و ذلیل و متلاشی میگشت. این مثال را برای مردم بیان میکنم که اهل عقل و فکرت شوند. اوست الله یکتائی که غیر از او الهی نیست که دانای آشکار و پنهان عالم است. بخشنده و مهربان است. اوست الله یکتائی که غیر از او الهی نیست. سلطان مقتدر عالم. پاك از هر نقص و آلايش. منزّه از هر عیب و ناشایست. ایمنی بخش دلهای هراسان. نگهبان جهان و جهانیان. غالب و قاهر بر همه خلقان. با جبروت و عظمت و بزرگواری و برتری. زهی منزّه و پاك خدای از هر چه بر او شریک پندارند.

اوست خدای آفریننده عالم امکان و پدید آورنده جهان و جهانیان. نگارنده صورت خلقان او را نامهای نیکوتر بسیار است و آنچه در آسمانها و زمین است همه تسبیح و ستایش جمال و جلالش مشغولند و اوست یکتا الله مقتدر حکیم.

بنام بر اینهمه رو با این افتخارات ننگ آلود آزادی کشی و نابرابری و ارمغان ترس و لرز و خوف و خطر و بیماری. در باره خود ستائیهای الله آمده در این آیه ها که میگوید اگر ما قرآن را برای کوهی میفرستادیم از ترس خاشع، ذلیل و متلاشی میشد بهترین بن مایه خشم الله است در ترسانیدن مردم و بگردن نهادن بی چون و چرای فرمانها و خواسته های نادرست آمده در کلام الله.

در باره دانائی آشکار و نهان الله همانگونه که در سخنرانیهای پیش با بنمایه های استوار یاد آوری کردم الله تا آن اندازه ناآگاه است که نمیداند روز و شب چگونه بوجود می آیند که میگوید تاریکی شب را در روشنائی روز در هم میکنم و بعد جدا میکنم.

او از گردش زمین بدور خود و خورشید ناآگاه است و خورشید را گردنده و زمین را ساکن میداند و میگوید کوهها را عماد بر زمین کردم تانگهبان آن باشند یعنی تکان نخورد.

درباره آفرینش جهان هستی چندین دروغ بزرگ گفته است که در گذشته باین مایه آورده ام یکبار میگوید جهان را آفریدم و خرج چهار روزه اهل زمین را هم دادگرانه میان آنها بخش کردم. یکبار میگوید جهان هستی را در شش روز آفریدم بار دیگر میگوید در دو روز آفریدم و یکبار هم میگوید آسمان و زمین بسته بود که بگشودم. دروغ آشکاری که ابروی گوینده اش را برباد میدهد.

درباره آفریدن آدم هم درسخرانیهای پیش دروغهایش را با بن مایه های استوار برشمرده ام. درباره پاک‌بی‌آلایشی ایمنی بخشی دلها، غالب و قاهر بودن بر همه بندگان را نیز هم در آیه های آمده دریافتید و هم در میدان های جنگ خواهید دریافت و داوری نمود، که آیا او الله، جانشین خدای دادگراست یا یک گردنه بند و سردار جنگجوی عرب، یا یک نماد بارز اهریمن که در نابودی آزادی و به بند کشیدن اندیشه ها از هیچ کوششی فروگذار نکرده و از همه راهها و بیراهه ها بهره جسته است؟

۲۲- سوره هفتاد و چهارم «المدثر» آیه های ۳۳ و ۳۴ قسم به صبح نبوت که این قرآن یکی از بزرگترین آیت الله است.

با همه دستوره های نا مردمی و آزادی کشی آمده در کلام الله که بخش کوچکی از آن به آگاهی شما رسید بیشرمانه قرآن را بزرگترین آیت خود میداند. کسبیکه چنین آیه های شرم آور آمده در کلام الله را آیت خود میداند، چگونه بونی از مهر و آزادی برده است؟ آنچه که شنیدید نمونه بسیار کوچکی بود از رها ورد الله و رسول الله او. ترس همیشگی از الله، برده داری، غلام بارگی، کنیزی، نا برابری، آزادی کشی، فرمانبرداری کورکورانه، دشمنی با خنده و شادی و شادمانی، خوف و خطر و امراض، به آتش سپردن همه بیگناهان و با گناهان در شکنجه گاهش دوزخ، فرمان سپاسگذاری شبانه روزی از اینهمه درد و رنج و غم و پذیرفتن آن بجای حق و حقیقت و راستی و درستی و دم برنیوردن.

برای زنده نگاهداشتن چنین آرمانی سراپا ننگ برپا داشتن جنگهای خونین و خانمان برانداز که گوشه هائی از آن را به آگاهی میرسانم.

در سوره دوم «بقره» آیه های ۱۹۰ تا ۱۹۲ چنین دستور میدهد: هر کجا مشرکان را یافتید به قتل برسانید و از شهرهاشان برانید چنانکه آنان شما را از وطن آواره کردند و قتنه گری که آنها کنند سخت تر و فسادش بیشتر از جنگ است. در مسجد الحرام با آنان قتال مکنید مگر آنکه پیشدستی کنند در اینصورت رواست که در حرم آنها را به قتل رسانید اینست کيفرکافران. اگر دست از شرك و ستم بدارند از آنها در گذرید که الله آمرزنده و مهربان است. با کافران جهاد کنید تا قتنه و فساد از روی زمین برطرف شود و همه را آئین دین الله باشد و اگر از قتنه و جنگ دست کشیدند با آنها عدالت کنید که ستم جز بر ستمکاران نیست. همین سوره آیه ۲۴۳ میگوید جهاد کنید در راه الله و بدانید که الله به گفتار و کردار خلق شنوا و داناست.

دروغگویی همیشگی الله و رسول الله او در این آیه ها از خورشید روشن تر است. کسانیکه به این گونه فرمانهای الله کافر بودند بی گمان به مسجد هم نمیرفتند زیرا پذیرای مسجد نبودند تا به جنگیدن در آن پیشگام شوند. مسجد تنها جای کسانی بود و هست که به فرمان الله گردن نهاده بودند نه کسانی که پذیرا نبودند.

زمانیکه میگوید با کافران جهاد کنید تا قتنه و فساد از روی زمین برداشته شود بروشنی می بینیم فرمان حمله از سوی الله است، نه مردم. در باره قتنه و فساد که میگوید از روی زمین برداشته شود همان از میان برداشتن آزادی و زیر بار نرفتن بر بندگی و بردگی و کنیزی و سجد کردن ۲۴ساعته رهاورد الله است که از دید مردم پذیرفتنی نبوده و نیست ولی از دید الله اندیشه والائی است که بازور و کشتار باید به گردن مردم نهاد.

سوره سوم «آل عمران» آیه های ۱۲۰ تا ۱۲۷: بیدار ای پیغمبر صبحگاهی را که از خانه خود به جهت صف آرائی مومنان برای جنگ بیرون شدی و الله به همه گفتار و کردار تو دانا و شنوا بود آنگاه که دو طایفه از شما بددل و ترسناک و دراندیشه فرار از جنگ بودند و الله یار آنها بود آنان را دلدار نمود همیشه باید اهل ایمان توکل کنند تا دلدار و نیرومند باشند. والله شما را به حقیقت در جنگ بدریاری کرد و غلبه بر دشمن داد با آنکه شما از هر جهت در مقابل دشمن ضعیف بودید. پس راه الله پرستی درپیش گیرید باشد که شکر نعمتهای او بجای آید.

ای رسول بیدار آنگاه که به مومنین گفتی آیا الله بشما مدد نفرمود که سه هزار فرشته بیاری شما فرستاد؟ بلی اگر شما صبر و مقاومت در جهاد پیشه کنید و پیوسته پرهیز کارباشید چون کافران بر شما شتابان و خشمگین بیابند الله برای حفظ و نصرت شما پنجهزار فرشته را با پرچمی که نشان مخصوص سپاه اسلام است به مدد شما میفرستد.

الله آن فرشتگان را نفرستاد مگر برای اینکه بشما مژده فتح دهد و دل شما را بر نصرت الله مطمئن کند و فتح و فیروزی شما نگشت مگر از جانب الله توانای دانا. تا گروهی از کافران را هلاک گرداند یا دلیل و خوار کند که از مقصود خود ناامید بازگردند. همین سوره از آیه ۱۴۵ تا ۱۴۷ چه بسیار رخ داده که پیغمبری جمعیت زیادی از پیروانش در جنگ کشته شده و با این حال اهل ایمان با سختی هائی که در راه الله به آنها رسیده مقاومت کردند و هرگز بیمناک و زبون نشدند و سر زیر بار دشمن فرو نیاموردند و از راه صبر و ثبات پیش رفتند که الله صابران را دوست میدارد.

آنها در هیچ سختی جز به الله پناهنده نشده و جز این نمی گفتند که بار پروردگارا به کرم خود از گناه و ستمی که ما درباره خود کرده ایم درگذر و ما را ثابت قدم بدار و ما را بر محو کافران مظهرگردان. پس الله فتح و فیروزی در دنیا و ثواب در آخرت نصیب شان گردانید.

همین سوره در بخشی از آیه های ۱۵۱ تا ۱۵۸ میگوید و به حقیقت صدق و عده الله را که شما را بر دشمنان غالب گرداند آنگاه دریافتید که غلبه کردید و به فرمان الله کافران را به خاک هلاک افکندید و همیشه بر دشمن غالب بودید.

تا وقتی که در کار جنگ احد سستی کرده و اختلاف برانگیختید و نافرمانی حکم پیغمبر نمودید، پس از آنکه هر چه آرزوی شما بود «از فتح و غلبه بر کفار و غنیمت بردن» به آن رسیدید منتها برخی دنیا و برخی برای آخرت میکوشیدید و سپس از پیشرفت و غلبه شما را بازداشت تا شما را بیازماید. البته از تقصیر شما که «نافرمانی پیغمبر خود کردید» درگذشت که الله را با اهل ایمان عنایت و رحمت است.

بیاد آرید هنگامی که روی به هزیمت گذاشته و چنان به دهشت میگریختید که توجه به احدی نداشتید تا آنجا که پیغمبر هم که شما را بیاری دیگران در صف کارزار میخواند توجه نکردید تا به پاداش این بی ثباتی غمی برغم شما افزود تا از این پس برای از دست رفتن یا بدست آوردن چیزی اندوهناک نشوید. همانا آنانکه از شما در جنگ احد به جنگ پشت کردند و منهزم شدند شیطان آنها را به سبب نافرمانی و بدکرداری شان به لغزش افکند و الله از آنها درگذشت. اگر در راه الله بمیرید یا کشته شوید «غم مدار» که به رحمت ایزدی پیوسته و به سوی الله محشور خواهید شد.

سوره چهارم «النساء» آیه های ۷۰ تا ۷۷ ای اهل ایمان سلاح جنگ بگیرید و آنگاه دسته دسته یا همه بیکبار متفق بر جهاد بیرون روید و همانا گروهی از شما (که منافقند و بظاهر دوست و باطن دشمن نماهستند) به خبرهای معمول هول انگیز شما را ترسان ساخته و از جهاد باز میدارند.

مومنان باید در راه الله با آنانکه حیات مادی دنیا را بر آخرت گزینند جهاد کنند و هر کس براه جهاد در راه الله کشته شد یا فاتح گردید زود باشد که او را (در بهشت ابدی اجری عظیم دهیم).

آیا می نگری و عجب نداری از حال مردمی که گفتند به ما اجازه جنگ ده و به آنها گفته میشد اکنون از جنگ خودداری کرده بوظیفه نماز و زکات قیام کنید (که هنوز مامور جنگ نیستیم) دیدی آنگاه که بر آنها در (جنگ بدر) حکم جهاد آمد در آن هنگام بیش از آن اندازه که باید از الله بترسند از مردم (دشمنان خود) ترسیدند و گفتند ای الله چرا بر ما حکم جنگ را فرض کردی که عمر ما را تا به هنگام اجل و مرگ طبیعی به تاخیر نیفکنی. (ای رسول ما به آنانکه این اعتراض کنند) بگو که زندگانی دنیا متاعی اندک است و جهان آخرت ابدی. برای هر که خدا ترس باشد بهتر از دنیاست و آنجا کمترین ستم درباره کسی نخواهد شد.

همین سوره آیه های ۸۳ - ۸۸ - و ۹۰ پس ای پیغمبر تو خود تنها در راه الله بکارزار برخیز که جز شخص تو بر آن مکلف نیست و مومنان را نیز ترغیب کن باشد که الله آسیب کافران را از شما بازدارد که قدرت الله (از کم مردم) بیشتر و عذاب و انتقامش سخت تر خواهد بود.

منافقان و کافران آرزو کنند که شما مسلمین هم بمانند آنها کافر شوید تا (شما را بر آنان امتیازی نباشد) همه برابر و مساوی در کفر باشید پس آنانرا تا در راه الله هجرت نکنند دوست نگیرید و اگر مخالفت کردند آنها را هر کجا یافتید گرفته و به قتل رسانید و از آنها یار و دوستی نباید اختیار کنید.

گروهی دیگر را خواهید یافت که میخواهند از شما (به اظهار اسلام) و از قوم خود (به اظهار کفر) ایمنی یابند که راه فتنه گری و شرک بر آنها باز شود به کفر خود بازگردند. پس اگر از (فتنه انگیزی و نفاق) کناره نگرفته و تسلیم شما نشدند و از آزار شما دست نکشیدند در اینصورت آنها را هر جا یافتید گرفته و به قتل برسانید. ما شما را بر جان و مال این گروه تسلطی کامل بخشیدیم.

**درون مایه فرمانهای جنگی الله آن سردار جنگجوی عرب را شنیدید و دریافتید که دستور میدهد هر جا کافران را یافتید بکشید و فرشتگان را نیز بیاری رسولش فرستاد تا با کشتار و تاراج دین الله که همان بردگی و بندگی است جهانگیر شود. در باره عنایت و رحمت او هم دریافتید تنها درباره کسانی که به فرمان او بر دشمنی با آزادی می جنگند مهر می ورزد نه باهمگان.**

سوره هشتم «انفال» آیه های ۱ تا ۱۸ (ای رسول ما) چون امت حکم انفال را از تو سؤال کنند «یعنی غنائم بدون جنگ که از دشمنان بدست مسلمانان آید و زمین های خراب بی مالک، معادن، بیشه ها، فرازکوه، کف دریاها، ارث کسبیکه وارث ندارد. قطایع ملوک، خلاصه اموری که بی رنج مردم حاصل شود).

جواب ده که انفال مخصوص الله و رسول است (که رسول و جانشینانش بهرکس و هر قدر صلاح دانستند ببخشند) در اینصورت شما مومنان باید از الله بترسید در این گونه امور خلاف و تقاضای بیجا و طمع و حرص و نزاع و تفرقه پیر هیزید بلکه در رضایت و مسالمت و اتحاد بین خودتان بپردازید و خداوند و رسول را اطاعت کنید اگر اهل ایمانید.

درست به این آیه توجه کنید، غنائم بدون جنگ، زمینهای خراب، معادن، بیشه ها، فرازکوه، کف دریاها، قطایع ملوک همه و همه مال الله و رسول است تا بهرکس که خواستند ببخشند نه در راه مصالح همگان هزینه شود. الله که وجود خارجی نداشت. پس همه اش ماند برای رسول الله و او هم بخشید به ولی الله.

حالا هم جانشینانش در ایران منابع ملی ما را می بخشند به فلسطینی ها و سوریه ایها و لبنانیها و تروریستها و آقازاده ها و ما نباید سخنی بگوئیم؟

مومنان آنها هستند که چون ذکرى از الله شود (از عظمت و جلال الله) دلهاشان ترسان و لرزان شود و چون آيات الله را بر آنان تلاوت کنند بر مقام ايمانشان بيفزايد و به الله خود در هر کار توکل میکنند و نماز را با حضور قلب بپايدارند و از هر چه روزى آنها کرديم به فقرا انفاق میکنند (يعنى از غنيمت به فقرا ميدهند). چنانچه الله تو را از خانه خود به حق (برای اعلاء دين حق) بيرون آورد و گروهى از مومنان سخت راي خلاف و کراهت اظهار کردند و توبه مخالفت آنها از حکم حق بازنگشتى و هجرت گزیدی در امر انفال و غير آنها خواهش مردم توجه مکن. پيرو الله باش و از خلق ابا اندیشه مدار.

در اين دو آيه هم به روشنى می بينيد همه سودهائى کلان مال الله و رسول الله است و دلهاى ترسان و لرزان از آن مومنين. با استوارى هم دستور ميدهد خواهش کسى در اين باره پذيرفته نيست و نبايد هم گوش به سخن کسى بدهى.

«مردم نادان» در حکم حق با آنکه حق آشکار و روشن گرديد با تو جدل و نزاع خواهند کرد و چنان حکم حق و طاعت الله بر آنها دشوار و سخت است که گوئى به چشم مينگرد که آنها را به جانب مرگ میکشند. در اين گفتار يك اعتراف آشکار به چشم ميخورد که الله خودش ميگويد حکم حق و اطاعت از فرمانهاى الله چنان برای مردم دشوار است که گوئى آنها را به جانب مرگ میکشند. بسيار درست است زيرا در فرمان الله جز آزادى کشى و نابرابرى و زورگوئى و ترس و غم و اندوه چيز ديگرى به چشم نميخورد که مردم به پيشواز آن بروند. درآمدهائى کلان هم که مال الله و رسول است.

(أى رسول ما) بيدار هنگامى را که الله بشما وعده فتح بر يکى از دو طايفه داد «غلبه بر قافله قريش يا کاروان شام» و شما مسلمين مايه بوديد که آن طايفه که شوکت و سلاحى همراه ندارند «بى رنج و جهاد» اموالشان نصيب شما شود و الله ميخواست که صدق سخنان حق را ثابت گرداند و از بيخ و بن ريشه کافران را برکند. تا حقايق دين اسلام را محقق و پايدار کند و باطل را محو و نابود سازد هر چند بدکاران را خوش نيايد.

**آياين مايه اى بهتر از اين برای گردنه بندى و تاراج و کشتار کسانیکه کوچکترين ابزار دفاعى نداشتند و آزادانه در پى تجارت خود ميرفتند وجود دارد که الله فرمان تازش و کشتار و تاراج اموال آنها را داده است؟**

بيادريد هنگامى را که استغاثه و زارى به پروردگار خود ميکرديد (که شما را بردشمن غلبه دهد) پس دعائى شما را اجابت کرده (وعده داد) که من سپاهى منظم از هزار فرشته به مدد شما ميفرستم و اين مدد فرشتگان را الله نفرستاد مگر آنکه بشارت و مژده فتح باشد و تادلهاى شما را (به وعده الله) مطمئن سازد، و بدانيد که نصرت و فيروزي نيست مگر از جانب الله که الله را کمال قدرت و حکمت است.

بيادريد هنگامى را که خواب راحت شما را فرا گرفت برای اينکه از جانب الله ايمنى يافتيد و از آسمان رحمت خود آبي فرستاد که شما را آن آب پاک گرداند و وسوسه و کيد شيطان را از شما دور سازد و دلهاى شما را به رابطه ايمان با هم متحد گرداند تا در کار دين ثابت قدم و استوار باشيد.

يعنى از آسمان رحمت بارانى فرستاد که جسم شما را از هر حدث و ناپاکی پاک سازد و جان شما را از وسوسه و خيال شيطان ايمن گرداند. و بيدار اى رسول آنگاه که پروردگار تو به فرشتگان وحى کرد که من با شمايم مومنان را ثابت قدم بداريد که همانا من ترس در دل کافران مى افکنم تا گردنهايشان بزنيد و همه انگشتان و (دست آويزشان) قطع کنيد.

**اين کيفر کافران برای آنستکه با الله و رسول اوسخت ضديت و مخالفت کردند و هر کس با الله و رسول او راه شقاق و مخالفت پيمايد بترسد که عذاب الله بسيار سخت است.**

اين عذاب مختصر قتل و اسارت را در دنيا بچشيد و بدانيد که برای کافران در قيامت عذاب آتش دوزخ مهيب است. اى اهل ايمان هرگاه با تهاجم و تعرض کافران در ميدان کارزار روبرو شويد مبادا از بيم آنها پشت کرده و از جنگ بگريزيد. هر که در روز جنگ به آنها پشت نمود و فرار کرد بطرف غضب و خشم الله روى آورد و جاگاهش دوزخ که بدترين منزل است خواهد بود. مگر آنکه از ميمنه به ميسره و يا از قلب به جناح برای مصالح جنگى رود و يا فرقه اى بيبارى فرقه ديگر بشتابد. اى مومنان نه شما بلکه الله کافران را کشت اى رسول چون تو تير افکندى نه بلکه الله افکند و شکست کافران را. الله برای اين خواست که مومنان را به پيش آمد خوشى بيازمايد که الله شنواى دعائى خلق و دانا به مصالح امور عالم است. اين فتح و غلبه در جنگ بخواست الله شما را نصيب شد و بدانيد که محققا الله سست و بى اثرکننده مکر کفار است يعنى شما مومنان از مکر کفار مينديشيد که الله بنيان مکرشان را ويران خواهد کرد.

همين سوره آيه ۵۲ و اى مومنان بيدار آوريد زمانى را که عده قليلى درميان دشمنان بسيار بوديد بعد از آن الله شما را در پناه خود آورد و بيارى خود نبرومند و نصرت بشما عطا کرد و از بهترين غنائم و طعامها روزى فرمود باشد که شکر نعمتش را بجای آريد. بن مايه رد ناپذير همکارى همه سويه همراه بودن الله و نيروى هوائى ناديدنيش فرشتگان در جنگ و تيراندازى الله و آدم کشى او آنها در سر گردنه ها با بهره گيرى از همه مکر و نيرنگ.

## آیانباید چنین الله را هزن وگردنه گیراردادگاه وجدان محاکمه کرد واز جایگاه خدائی دروغین او را بزیرکشید وپیکره اوورسول الله وولی الله اش رادرموزه های جنایت علیه بشریت گذاشت؟

همین سوره آیه ۲۷- و محققا بدانید که شما را اموال و فرزندان در دنیا ابتلائی بیش نیست و در حقیقت اجر عظیم نزد الله است و سعادت حقیقی در آخرت است. آیا این دستور الله فتنه انگیزی در درون خانواده هان نیست؟

همین سوره آیه ۴۰ به بعد وای مومنان بدانید که هر چه بشما غنیمت و فایده رسد (زیادیاکم) خمس آن خاص الله و رسول و خویشان او و یتیمان و فقیران و در راه سفرماندگان است. به آنها بدهید اگر الله به آنچه بر بنده خود (محمد) در روز فرقان، روزی که دو سپاه اسلام و کفر در جنگ بدر روبرو شدند. الله نازل فرمود ایمان آورده اید و بدانید که الله بر هر چیز تواناست.

**اللهی که میگوید روزی هر جنبنده ای را من میدهم چه شده است که می جنگد و میکشد و غارت میکند تا خمس و غنیمت بر دارد؟** بیاد آرید زمانی را که سپاه شما در نزدیک وادی دشمن به مکانی دور (از شهر مدینه) واقع شد (که موفقیت و اتفاق خوشی الله نصیب شما کرد) و اگر این کارزار بوعده و قرار شما با دشمن مقرر میشد در وعده گاه (چنین موافق و دلخواه شما می بود) و از خوف و اندیشه در جنگ اختلاف میکردید.

لیکن برای آنکه حکم ازلی و قضای حتمی را که الله مقرر فرموده اجرا سازد (شما را غلبه داد) یعنی الله در جنگ بدر به مدد فرشتگان مومنان کم را بر کافران بسیار غلبه داد که حقانیت قرآن و رسولش را آشکار سازد تا هر که هلاک شدنی است بعد از اتمام حجت هلاک شود و هر که لایق حیات ابدی است به اتمام حجت به حیات ابد رسد و همانا الله شنوای دعا و دانای مصالح بندگان است.

همین سوره «انفال» آیه ۴۲ و ۴۳- و یاد آر زمانیکه الله دشمنان را هنگامی که مقابل شدید در چشم شما کم نمودار کرد (تا قوی دل شده از آنها میندیشید) و شما را نیز در چشم دشمن کم نمود (تا تجهیز کامل و تهیه مهمات جنگ نکنند) تا الله آنانرا که در قضای حتمی خود مقدر نموده (یعنی غلبه اسلام) اجرا فرماید (تا بدانید کار بدست الله است) و بسوی اوست بازگشت امور. ای کسانی که ایمان آورده اید هرگاه با فوجی از دشمن مقابل شدید پایداری کنید و الله را پیوسته یاد آورید باشد که فروزند و فاتح گردید.

همین سوره آیه ۵۹ و شما (ای مومنان) در مقام مبارزه با آنها خود را مهیا کنید و تا آن حد که بتوانید از آذوقه و آلات جنگی و اسبان سواری برای تهدید دشمنان الله و دشمنان خودتان فراهم سازید و بر قوم دیگری که شما بر دشمنی آنان مطلع نیستید و الله به آنها آگاه است نیز مهیا باشید و آنچه در راه الله (و او صیای دین الله) صرف کنید الله تمام بشما عوض خواهد داد و هرگز بشما ستم نخواهد شد.

همین سوره آیه ۶۴ ای رسول مومنان را بر جنگ ترغیب کن که اگر بیست نفر از شما صبور و پایدار باشید بر دویست نفر از دشمنان غالب خواهید شد و اگر صد نفر بوده بر دوهزار نفر کافران غلبه خواهید کرد زیرا آنها گروهی بی دانشند و شما با دین و دانشید لذ اتوانا و غالب بر آنها ناید.

**همه این وسوسه ها و تحریکات جنگ و کشتار که با این اعترافات روشن خود الله آشکار و نهان در آن دست و دخالت دارد و نیرنگ بازی میکند جز برای پایدار نمودن داده هائی است که در قرآن آورده است؟ ( نابودی آزادی نا برابری، بردگی، غلامی، کنیزی، غم و اندوه، ترس و لرز و ) آیا بدرستی او خداست یا یک گردنه بند تازی خونخوار؟**

اکنون الله بشما تخفیف داده (و در حکم جهاد آسان گرفت) و دانست که در شما ضعف ایمان راه یافته (که یک نفر باده نفر نمیتوانید مقاومت کنید) پس اگر صد نفر باشید صبور و پایدار بر دویست نفر و اگر هزار بر دوهزار به اذن الله غالب خواهید شد (یعنی با وجود ضعف ایمان باز یک نفر مومن بر دویست نفر کافر غلبه خواهد کرد. الله با صابران اهل ایمان است.

**جز ریشخند و تمسخر به این تحریک ابلهانه الله چه پاسخی میتوان به او داد؟**

همین سوره آیه ۶۶ هیچ پیغمبری را روا نباشد که از اسیران جنگ فدا گرفته و آنانرا رها کند تا خون ناپاکان را بسیار بریزد (پس اصحاب تو ای رسول نبایستی به طمع دنیا این انتظار را از تو داشته باشند).

این آیه که نمودار سنگدلی الله و رسول اوست درست یا نادرست چه خوب ترجمه شده است که میگوید اگر اسیران جنگی آزاد کردند، خون ناپاکان بریزند، با این اعتراف یک سخن حسابی هم شنیدیم که فرمان برداران الله از ناپاکان هستند.

شما (ای اصحاب رسول) متاع فانی ناچیز دنیا را میخواهید (الله برای شما سرای ابدی و نعمت جاودانی) آخرت را و الله مقتدر و کارش همه از روی حکمت است.

اگر نبود حکم (ازلی) سابق از امر نافذ الله (که پیغمبر فدا و غنائم را روا دانست) همانا در آنچه (از غنیمت) گرفتید بشما عذاب سخت رسیده بود. پس اکنون از هر چه غنیمت بیابید بخورید حلال و گوارای شما باد و لیکن الله ترس و پرهیزکار باشید که الله آمرزنده خطاها و مهربان به خلق است.

**این آیه هم که روشن است الله میگوید بزنید بکشید غارت کنید هر چه غنیمت گرفتید بخورید از شیرمادر حلال تراست.**

همین سوره آیه ۷۲ آنانکه کافر شدند نیز بعضی دوستدار و مددکار یکدیگرند و شما مسلمین اگر آنرا که الله دستور داده کار ننبدید همانا فتنه و فساد بزرگ روی زمین را فرا خواهد گرفت.

اگرچه هیچگاه الله فتنه و فساد مورد ادعای خودش را بروشنی نگفته است چیست ولی نیک میدانیم که فتنه و فساد مورد نظر الله همان گسترش آزادی و برابری است که بیمناک گریزان شدن مردم از بند بندگی و بردگی و کنیزی است.

سوره نهم «توبه» آیه ۱۲۱ هنگامی که رسول فرمان خروج برای جنگ دهد نباید مومنان همگی بیرون رفته و رسول را تنها گذارند بلکه چرا از هر طایفه ای جمعی برای جنگ و گروهی نزد رسول برای آموختن علم مهیا نباشند، تا آنان علمی که آموخته اند بروند و به قوم خود بیاموزند که قوم شان هم شاید الله ترس شده و از نافرمانی حذرکنند.

روشن است که اگر رسول تنها بماند میترسد آزادی خواهان بیابند و بکشند و از بند آزاد گردند. رسول و الله او جز جنگ و کشتار و غارتگری و نیرنگبازی دانش دیگری در کلام الله از خونشان نداده اند تا آن را به دیگران بیاموزند.

همین سوره آیه ۱۲۲ - میگوید ای اهل ایمان با کافران از هر که به شما نزدیکتر است شروع به جهاد کنید باید کفار در شما درستی و نیرومندی و قوت و پایداری حس کنند (تا از سپاه اسلام بیمناک شوند) (و شما مومنان هیچگاه نترسید) و بدانید که الله همیشه یار پرهیزکاران است.

آیا بدرستی این دستورالله کمی بالاتر از مسخره نیست که از سونی دستور میدهد با کافران هر که بشما نزدیکتر است بجنگید و بکشید و از سوی دیگر میگوید الله همیشه یار پرهیزکاران است.

آیا جنگجویان آدمکش و غارتگر و پروه گیری که بر زنان و دختران و پسران مردم تجاوز میکنند پرهیزکارند که الله یار آنهاست؟ آیا با این دستورهای ددمنشانه الله معنی پرهیزکاری را دریافته است؟

آیا او قبلا راستی و درستی و حق و حقیقت را دریافته بود تا این یکی را دریابد؟ از پایه گذار بردگی و بندگی و کنیزی و غلامی و گردنه بندی چه چشم داشتی بدریافت درستی و راستی؟

آنچه که از جنگهای الله و رسول الله در راه نابودی آزادی و گسترش بندگی و غلامی و کنیزی و نابرابری به آگاهی شما رسید بخشی از نه سوره کلام الله است نه تمام آن که به نمونه مشیت از خروار آورده شد تا دریابید که در این دیک سیاه زرانود شده جز تباهی و فساد و گمراهی که کوشیده شده بر آنها تن پوش راستی و درستی پوشانیده شود چیز دیگری نیست.

همانگونه که در آغاز سخنان هفته پیش یادآور شدیم این الله دست پخت خود محمد بود برای دستیابی بر قدرت و فرونشاندن عقده های درونی دوران خردسالی خود.

براین باورم که اگر همین الله بی زبان = «حجرالاسود» به نیروئی دسترسی داشت نه یکبار که ده بار چشمان محمد را از کاسه بدر می آورد و اگر زبان داشت به او میگفت آدم ناحباب حالا که مرا در جایگاه خدائی نشاندیدی طلبت، چرا بنام من فرمانهای نابخردانه غیرخدائی فرستادی؟ چرا مرا دشمن آزادی و آزادی خواهی و پیرو برده داری و غلام بارگی شناساندی؟ کدام خدای پیش از من با تیر و کمان در گردنه ها به راهزنی و آدمکشی نشست بود که مرا اینگونه رسوا کردی؟ افسوس که زبان ندارد تا بگوید من کجا و فرمانهای آمده در قرآن کجا؟

همانگونه که در پیش یادآور شدیم اینک شمار سوره ها و آیه هائی را میشنوید که در همین کلام الله آمده و گفته شده است که محمد دیوانه است، قرآن او وحی نیست افسانه پیشینیان و سحر و ساحری است که خودش بافته است و کسانی مانند بلعام ترسا، عایش، نفیس غلام رومی، سلمان فارسی و دیگران به او آموخته و برایش نوشته اند.

این گفتار در ۲۴ سوره و ۵۹ آیه از کلام الله به شرح زیر است.

سوره هفتم آیه ۱۸۳ - سوره دهم آیه ۳۷ - سوره یازدهم آیه ۱۲ - سوره پانزدهم آیه ۴ - سوره شانزدهم آیه های ۲۳ و ۲۹ و ۱۰۲ - سوره هفدهم آیه ۴۶ - سوره بیست و یکم آیه ۴ - سوره بیست و سوم آیه های ۶۹ و ۸۲ - سوره بیست و پنجم آیه های ۳ تا ۵ و ۷ - سوره بیست و هفتم آیه ۶۷ - سوره سی و چهارم آیه های ۶-۷-۴۲ - ۴۵ - سوره سی و هفتم آیه های ۱۴ و ۳۵ - سوره چهل و سوم آیه ۲۹ - سوره چهل و چهارم آیه ۱۳ - سوره چهل و ششم آیه های ۶-۷ و ۱۶ - سوره پنجاهم آیه ۴ - سوره پنجاه و یکم آیه ۹ - سوره پنجاه و دوم آیه های ۲۸ و ۲۹ - سوره شصت و هشتم آیه ۱ - ۲ - سوره شصت و نهم آیه های ۳۷ تا ۴۹ - سوره هفتاد و چهارم آیه های ۱۷ تا ۲۵ - سوره هشتاد و یکم آیه ۲۱ - سوره هشتاد و سوم آیه ۱۲ - سوره هشتاد و ششم آیه ۱۳.

براین امید که هم میهنان فریب خورده ام از اسلام و شیعه گری از خواب غفلت بیدار شوند و به خردروی آورند تا این لکه سرپا ننگ را از دامن خود و تاریخ و فرهنگ میهن خویش بزداوند و بیش از این سرافکنندگی تازی پرستی را بر دوش نکنند. با ارج فراوان پاینده ایران برافراشته با درفش کاویانی سرخ و زرد بونفش

پاسداران فرهنگ ایران «پاریس» آله دال فك